مهکر وفیلم تهیه شد

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب رساله درج
مصنف میرزا ابوالقاسم قمی
مؤلف
خطی شکسته نستعلیق ۱۸ سطر
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۲۱۴ عدد اوراق ۱۰
جزء کتب فقه شماره
شماره عمومی ۸۲۱۵ شماره قبض
واقف خریداری تاریخ وقف مهر ۱۳۲۹
طول ۳۰ عرض ۱۴ گنجه

فارسی

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

بازبینی شد
۲۳۰۵۲

کتابخانه آستان قدس
رضوی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوٰة علی محمد وآله اجمعین اما بعد این چند کلمه ایست در مسائل مقرح بیت الله الحرام
نظر بخواهش جمعی از برادران دینی در کمال استعجال در ایام روانه شدن از نجف اشرف علی مشرفه افضل السلام
بجانب مقصد مرقوم قلم احقر عباد ابوالقاسم بن الحسن ساکن دار الایمان قم میگردد و چون وقت بسیار تنگ بود
و مجال در نگ نبود اقتصار بر مسایل حج تمتع نمود چون فرض خواهشمندان همین بود و این رساله مرتب شد بر ذکر مقدمه
و چند باب و خاتمه اما مقدمه پس بدانکه حج تمتع واجبست بر مکلفی که خانه او تا مکه زیاده از چهل و هشت میل دور باشد
و کسی که خانه او باین قدر دور نباشد فرض ایشان حج افراد و حج قران است و جایز نیست از برای کسی که فرض
او حج [illegible] تمتع است عدول کردن بحج افراد و قران مگر در محل ضرورت مثل آنکه بترسد هرگاه عمره را اتمام کند
حج او فوت میشود در اینصورت نیت عمره را میگرداند بنیت حج و بعد از اتمام اعمال حج عمره مفرده بجا می آورد
و اشهر و اظهر آنست که حد خوف فوت شدن حج آنست که گمان غالب داشته باشد که هرگاه عمره را اتمام کند
وقوف اختیاری عرفه را درک نمی یابد پس ظاهر اینست که هرگاه چنین داند که اعمال عمره را تا بعد ظهر روز عرفه هم میتواند
بجا آورد و نهایت پیش از غروب آفتاب بعرفات میرسد عمره را باید تمام کند و جایز نیست عدول بحج افراد و از جمله
عذرهائی که عدول میتوان کرد از حج تمتع بحج افراد حیض و نفاس است پس هرگاه زنی حایض باشد یا صاحب نفاس باشد
و نتواند طواف کند و وقت تنگ شده واجبست که عدول کند بحج افراد پس دست از عمره برمیدارد و بعد از تمام
حج عمره مفرده بجا می آورد و در مسئله قولی دیگر هم هست ولکن اقوی همین است و اما هرگاه عذر حیض و نفاس در اثناء
طواف بهم رسد پس هرگاه چهار شوط بعمل آمده است حج تمتع او صحیح است دست از طواف بردارد و سعی صفا
و مروه و باقی عمره را بجا می آورد و بعد از پاک شدن تتمه طواف را قضا می کند با نماز طواف و همچنین هرگاه

اعمال ع

بعد از طواف

بعد از طواف و قبل از نماز حایض شود چنین میکند و نماز را بعد از طهارت از حیض قضا میکند و حج تمتع عبارت
از ادا کردن اعمال چند در مکه و نواحی آن و آن نوزده فعل است اول احرام بستن بعمرهٔ تمتع دویم طواف
کعبه بجهت عمره سیم نماز طواف کردن چهارم سعی مابین صفا و مروه بجهت عمره پنجم تقصیر یعنی قدری از مو
یا ناخن کرفتن و این پنج فعل که تمام شد عمره تمام میشود و محل میشود از اکثر اشیاء ششم احرام بحج تمتع بستن هفتم
وقوف بعرفات هشتم شب در مشعر الحرام بسر بردن نهم وقوف بمشعر الحرام بعد فجر دهم سنگ ریزه
بجمره عقبه زدن یازدهم قربانی کردن دوازدهم سر تراشیدن یا جزئی از موی کم کردن سیزدهم طواف زیارت
چهاردهم نماز طواف زیارت پانزدهم سعی میان صفا و مروه شانزدهم طواف نساء هفدهم نماز طواف نساء
هجدهم شب در منی ماندن نوزدهم سنگ ریزه بهر سه جمره زدن در ایام تشریق و بعضی خوردن از گوشت
قربانی را هم واجب دانسته اند و آن احوط است باب اول در احکام احرام است بدانکه شارع مقدس از برای
احرام مواضع چند معین کرده که باید در آنجا احرام گرفت اما احرام گاه اهل عراق از راه نجد هرگاه بمدینه
مشرف نروند پس آن وادی عقیق است که احرام گاه راه ایشان است و افضل آن مسلخ است که برکه زبیده آنجاست
و احوط آنست که تاخیر نکنند تا ذات عرق که آنرا مفاسد میگویند مگر از برای تقیه یا آزار و در شناختن این احرام گاه
و سایر آنها بقول عربان و اهل بادیه اعتماد میتوان کرد و هرگاه از راه مدینه مشرف روند چنانکه از سالها شام هم باینجا
میروند پس احرام گاه مسجد شجره است و هرگاه از راه دریا بروند احرامگاه ایشان یلملم است که آنرا سعدیه میگویند و تمکن
خود را بآنجا برساند و بمحاذات میقات اکتفا نکند و هرگاه مضطر باشد در محاذات میقات احرام بگیرد و در ابتدای حرم نیز
احرام بگیرد هرگاه نتواند بخود بمیقات و همچنین هر وقت ممکن نشود که حاج در میقات که فرض او است احرام بگیرد در محاذات
آن احرام گیرد و هرگاه بمیقات دیگر برسد در آن تجدید احرام کند و هرگاه نرسد در ابتدای حرم تجدید نماید و بدانکه
احرام باید در ماه شوال یا ذی القعده یا اوایل ذی الحجه باشد و سنت است از برای حاجی که در اول ماه ذی القعده

موی سر و ریش را بگذارد بلکه اگر بتراشد احتیاط در آن است که گوسفندی بکشد و مستحب است که پیش از احرام موی زیر بغل را ازاله کند
و پشت زهار را و بلکه کل بدن را نوره بمالد و شارب و ناخن را بگیرد و بدن را از چرک پاک کند و غسل احرام بکند باین
نیت که غسل احرام عمرهٔ تمتع میکنم قربة الی الله و در غسل تاکید بسیار است و قبل از غسل هرگاه جامهٔ دوخته پوشیده باشد آنها را
بکند و بهتر آنست که نیت کند که جامهای دوخته را میکنم قربة الی الله و بعد از غسل جامهای احرامی را بپوشد و نیت کند که دو جامهٔ
احرامی را میپوشم در عمرهٔ تمتع عمرة الاسلام واجب قربة الی الله و یکی از دو جامه را لنگ میکند و دیگری را بر دوشها می اندازد
و بهتر آنست که بطریق ردا باشد و آن باین نحو است که جامه را بر دوشها می اندازد و دو طرف آن را به پیش سینه می آورد یا آنکه دو طرف
جامه را بعد از انداختن بدوش جمع میکند و بر دوش راست می اندازد و بهتر آن است که ردا را گره نزنند و اگر ممکن شود لنگ را
هم گره نزنند بلکه طرفهای آن را از هم بگذرانند و بعضی آن را داخل در بعضی دیگر کند و باید که لنگ آن قدر باشد که میان ناف
و زانو را بپوشاند و باید که آن جامها حریر نباشد و پوست و موی حیوان حرام گوشت نباشد و نجس نباشد بنجاستی که نماز در آن
معفو نباشد بلکه احادیث معتبره دلالت دارد که در سایر اوقات احرام هم باید پاک باشد و احوط است که بدن را هم در سایر
اوقات پاک نگاه دارد بقدر مقدور و مغصوب نباشد و بدن نما نباشد و اظهر آنست که این در لنگ معتبر است نه در ردا
و احوط آنست که زنان نیز از حریر محض اجتناب کنند و بعد از پوشیدن جامهای احرام بگردد سنت است که احرام را در عقب نماز ظهر
بکند و اگر وقت آن نباشد یا ممکن نشود عقب نماز واجبی بکند و اگر ممکن نشود عقب دو رکعت نماز نافلهٔ احرام بکند که در رکعت اول بعد حمد
قل هو الله احد بخواند و در دوم قل یا ایها الکافرون باین نیت که دو رکعت نماز نافلهٔ احرام میکنم سنت قربة الی الله و هرگاه وضو
نداشته باشد بغسل احرام تنها در نماز اکتفا نکند و وضو برای نماز بسازد و بهتر آنست که وضو را قبل از غسل بسازد هرگاه از برای نماز
واجب است بنیت وجوب و هرگاه برای نماز سنت است بنیت قربة و سنت است که چون از نماز فریضه یا دو رکعت نافله فارغ
شود بگوید بسم الله والحمد لله وصلی الله علی محمد وآله اللهم انی ارید ما امرت به من التمتع بالعمرة
الی الحج فانک لی ایها عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی پس بعد از آن نیت احرام کند

و احوط آنست

و احوط آنست که اول نیت عمره بکند که عمره بجا می آورم عمرهٔ اسلام عمرهٔ تمتع واجب قربة الی الله بعد از آن نیت احرام کند
باین نحو قصد کند که احرام میگیرم در عمرهٔ اسلام عمرهٔ تمتع و چهار چیز واجب بجهة آن میگویم واجب قربة الی الله و مراد
از احرام آنست که حرام میکنم بر خود آنچه حق تعالی بر من حرام کرده است تا وقت محل شدن و آن بیست و سه امر است
اول شکار کردن حیوانی که دریائی نباشد و نگاه داشتن آن و نشان دادن بصیادی باشاره یا بچیزی نوشتن یا بستن
و همچنین در بستن بر روی آن تا بمیرد و ذبح کردن و گوشت آن را خوردن هرچند محل صید آن کرده باشد و صیدی را که محرم
ذبح کند بر محل هم حرام است خوردن آن هرچند در غیر حرم کرده باشد **دوم** جماع کردن زنان و بوسیدن و بدن ایشان
خود را با نها مالیدن و نظر کردن هرگاه اینها از روی شهوة باشد و همچنین عقد کردن ایشان از برای خود یا از برای دیگری
و ظاهر آنست که عقد هم فاسد است و همچنین هرگاه وکیل کند دیگری را که عقد کند از برای او حرام است و همچنین حرام است
شاهد شدن از برای عقد خواه عقد از برای محل باشد یا محرم و اداء شهادت بر عقد [illegible] جواز است
خصوصا هرگاه بر ترک آن مفاسد مترتب شود و جایز است خریدن کنیز بجهة خدمت یا غیر آن **سیم** طلب منی از خود
کردن بدست مالیدن یا بازی کردن یا بنحو دیگر باشد **چهارم** استعمال بوی خوش بپوشیدن و خوردن و بوییدن و بر رخت
مالیدن و غیر آن و مراد از بوی خوش بوی چیزهایی است که مهیا میکنند آنها را از برای بوییدن غالبا مثل مشک
و عنبر و گلاب و روغن بنفشه و روغن گل و زعفران و عود و ورس و کافور و امثال اینها هرچند کافور در امثال این
زمانها از این باب نیست نهایت در اجتناب [illegible] و ظاهر اوقات [illegible] و اما گیاههای صحرائی
خوشبو مثل درمنه ترکی و بوی مادران و اذخر و همچنین مثل دارچینی و زنجبیل و مصطکی و امثال اینها و همچنین میوها مثل سیب و به
و ترنج باکی نیست و در ریحان و امثال آن خلاف است و اجتناب از اینها احوط است بلکه حرمت ریاحین قوة
دارد و احوط اجتناب است از هر بوی خوشی است و استثنا شده است از بوی خوش خلوق کعبه که آن بوی خوشی است که یک جزء
آن زعفران است و میمالند بکعبه هرگاه جامهٔ محرم بآن آلوده شود ضرر ندارد و همچنین استثنا شده است بوی خوش بازار عطاران

مابین صفا و مروه که ضرور نیست دماغ گرفتن از آن و دوری کردن از آن هرگاه کسی را بجز از آن نبخو پنجم دماغ خود را از بوی بد گرفتن
که اظهر حرمت است چنانکه اظهر وجوب گرفتن بینی است از بوی خوش خصوصا در وقتی که مفعول شد بجو لون آن ششم پوشیدن لباس
دوخته بجهة مردان مثل پیراهن و قبا و زیر جامه و همچنین آنچه شبیه باینها باشد هرچند دوخته نباشند مثل کپنک و کلاه نمد و امثال آن
مثل زره و ظاهر است که پوشیدن پاپیچ ضرر ندارد و هرگاه تکمه آنرا نبندد یا از ندیعنی آن دوختنی نیست بجهة تکمه دبند حاصل شده و ظاهر است
که ضرر نداشته باشد و اگر از آن اجتناب کنند احوط خواهد بود اینکه گفتیم حکم مردان است و اما زنان پس جایز است ایشان را پوشیدن جامه
دوخته بغیر قفازین که دستکش است که زنان بجهة زینت جهت دوخته اند هفتم پوشیدن چیزی که پشت پا را بپوشد از برای مردان
مثل چکمه و جوراب و امثال آنها و اما آنچه تمام روی پا را نپوشد و بعض از آن بپوشد پس ظاهر جواز است بلکه ظاهرا خلافی نیست
و در پوشیدن نعلین اشکالی نیست و ظاهر است که نعلی دولائی و نعلینی که تسمه آن دو عرض باشد هم ضرر ندارد و هرگاه مضطر شود
بپوشیدن مثل چکمه جایز است پوشیدن آن لکن بعضی فتوی شده اند که واجب است شق کردن پشت پا و در طریقی آن اختلاف است
و احوط آنست که اگر مثل چکمه باشد ساق آنرا ببرد و چنان کند که از کعب که برآمده گی پشت پاست پائین تر رود و از آنجا شق کند
از جانب طول در پشت پا و لکن وجوب اصل شق معلوم نیست هشتم دروغ گفتن و دشنام دادن و تفاخر نمودن
نهم قسم خوردن بلا والله و بلی والله بلکه مطلق قسم علی الاظهر و لکن اظهر آنست که قصد خصومت معتبر است در آن پس هرگاه
کسی محرم را بجهة احترام و مهربانی قسم بدهد که بالا نشینی یا پایین منشینی و او قسم بخورد که میکنم و خصومتی نباشد هرچند
مکرر قسم بخورد متوالی و احوط اجتناب از همه است دهم کشتن جانوران بدن مثل شپش و کیک و امثال آنها و انداختن آنها در جامه
یا در بدن و انداختن شپش و در جواز انداختن غیر شپش اشکالی است و احوط ترک است بغیر کنه که انداختن آن جایز است
و جایز است که شپش را از جائی بجائی نقل کند بهر جای بدن که خواهد مگر آنکه در جائی بگذارد که در معرض افتادن باشد و اظهر
آنست که جایز نیست حلم را از شتر انداختن و مراد از حلم کوچک کنهای بزرگ باشد که غالبا در شتر میباشند یازدهم
بلا ضرورة روغن ببدن مالیدن و در حرمت روغنی که در آن طیب باشد یعنی بوی خوشی که پیش مذکور شد ظاهرا اتفاقی است

الجنبی ازاله

هرچند پیش از احرام بمالد و روغنی که بوی آن میماند تا بعد از احرام و در غیر آن خلاف است و اظهر حرمت است و لکن خوردن
آن جایز است دوازدهم ازاله مو از خود اختیارا بدون ضرورة و ظاهر آنست که محرم ازاله موی از محرم و غیر محرم هیچیک
نتواند کرد سیزدهم ناخن گرفتن بدون ضرورة در حال اختیار و در حال اضطرار جایز است و در حدیث صحیح است که از هر
ناخن قبضه از طعام اطعام کند چهاردهم خون بیرون آوردن از بدن بدون ضرورة و در حال ضرورة بروجهی جایز است
و اما مالیدن بدن و خاریدن بدون خون آمدن پس آن حرام نیست پانزدهم سرمه سیاه بچشم کشیدن بدون ضرورت
هرچند بقصد زینت نباشد و همچنین هر سرمه که در او بوی خوشی باشد شانزدهم نگاه در آینه کردن بدون ضرورت هرچند
بقصد زینت نباشد هفدهم انگشتری بدست کردن از برای زینت هیجدهم خضاب کردن بحنا بقصد زینت
علی الاظهر نوزدهم پوشیدن زنان زیورهائی را که عادت بآن ندارند یا آنچه را عادت دارند بپوشند بقصد زینت
و اما هرگاه بدون قصد زینت باشد ضرر ندارد هرگاه از از برای شوهر خود ظاهر نسازد بلکه دور نیست که باید از مطلق مردان
پنهان دارد هرچند از محارم او باشند و ممکن است که حکمت در آن این باشد که زینت مهیج شهوت هرچند در محارم کمتر است
بیستم حربه و اسلحه پوشیدن بدون خوف و ضرورت بیست و یکم پوشیدن سر از برای مردان در حال اختیار
و مراد از سر موضعیست که مو بر روید و اقرب آنست که گوشها داخل در حکم سر باشد و ظاهر آنست که چنانچه همه سر را نمیتوان پوشید
بعض آنرا هم نمیتوان پوشید و باکی نیست در دسته مشک آب هرگاه بسر بگیرد و همچنین عصابه که بجهة درد سر ببندد و مراد از پوشیدن
بمثل دستار و کلاه است نه بدست خود یا بعض اعضای دیگر و اشکالی در جواز خاریدن سر بدست نیست و جایز نیست پوشیدن
بمثل طبق و زنبیل و کاغذ و امثال اینها نیز بلکه بمثل حنا و گل بلکه جایز نیست سر فرو بردن در آب و اما آب بر سر ریختن و شستن
پس باکی نیست و سر بر روی بالش گذاشتن ضرر ندارد لکن هرگاه سهوا سر را بپوشد باید فورا بیندازد و احتیاطا تلبیه بگوید و جایز است
پوشیدن رو از برای مرد و اما زنان پس جایز است برای ایشان پوشیدن سر و لکن واجب است که روی خود را بگشایند و ظاهر است
که پوشیدن بغیر جامه مثل بادزن و کاغذ و شبه آنهم جایز نیست برای آنها و اما پوشیدن بدست در وقت خوابیدن ضرر ندارد

وهرگاه محتاج شود به پوشیدن روی پس انکه مردان نامحرم بر رو نظر نکنند پس در اینصورت جایز است که قناع خود را بر رو بیاویزد تا طرف بینی
یا ذقن یا پایین تر دراورد لیکن باید که آن قناع بر صورت او نخورد بانکه از چوب حایلی کند یا بدست مانع شود از خوردن بر رو **بیست و دویم**
در زیر سایه بان بودن از برای مردان در حال سلوک رفتن یعنی بودن در جایی سقف دار مثل کجاوه یا محملی که سقف داشته باشد خواه در شب
وخواه در روز وخواه هوا صاف باشد یا ابر باشد وخواه گاهی آفتاب بگیرد یا نگیرد واما هرگاه جامه بر سر چوب بلند کند و برابر آفتاب
بدارند که در زیر سایه او راه روند پس در آن خلاف است واظهر جواز است چنانکه ظاهرا اشکالی نباشد در مرد و زنان اینکه سقف سایبان
یا بازار وسایه خانه وکوه ودرخت واما هرگاه جامه را بر سر چوب کند و در بالای حجله نگاه دارد که مثل سقف باشد پس در آن اشکالی است
واحوط اجتناب است انچه مذکور شد حکم حال راه رفتن است واما در وقتی که بمنزل رسید پس اینکار حرام نیست بلکه در توی خانه و خیمه
هم میتواند ساکن شد واما هرگاه در جایی راه ضرورتی باشد مثل مرض یا سرما وگرمای بسیار شدید پس جایز است سایه بان گرفتن یعنی فدا
یعنی ذبح گوسفندی در منی ومطلق سرما وگرما و باران عذر نیست بلکه باید شدید باشد **بیست و سیم** قطع درخت وگیاه حرم است مگر
وشکستن و بریدن هرچند خشک باشد واین اختصاصی بمحرم ندارد بلکه بر محل هم حرام است ومکروه است احرام گرفتن در جامه
سیاه و سرخ و نارنجی و زرد و تیره وخوابیدن بر روی آنها و همچنین احرام در جامه چرکین و پوشیدن جامه علمدار ودر رخت حمام شدن
و دراز کردن چنگ از بدنها و همچنین لبیک گفتن در جواب کسی که او را ندا کند بلکه بگوید یا سعد و بدانکه حنا و نقاشی قبل احرام نیست
وهرگاه در راه آنحضرت خواهند در مسجد احرام بگیرند در عبور احرام بگیرند هرگاه دانسته ترک واجبه و مستحبه احرام را باز بر میگردیم بر سر
کیفیت احرام پس بدانکه نیت کرد و احرام ملاه بعد از نماز بجهت احرام چنانکه گفتیم باید چهار تلبیه را بگوید و مقارن آن با نیت واجب نیت
ولکن احوط اینست که بعد نیت بلافاصله تلبیه را بجا آورد و بهتر است که در اول آهسته بگوید وچون براه افتد یا سوار شود بلند بگوید هرگاه
محرم مرد باشد وهرگاه در مسجد شجره احرام گیرد در وقتی که بیداء رسد سنت است که بلند بگوید وصورت تلبیات اربع بنابر اظهر اقوال آنست
لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ واحوط بلکه اظهر اینست که بعد از این کلمات هم بگوید اِنَّ الْحَمْدَ
وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَرِیکَ لَکَ وقول مشهور دیگر هم در میان علما هست احوط آنست که آنرا هم بگوید وصورت آن اینست

لبیک اللهم

٥

لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ
وهمزه اِنَّ را بکسر و فتح هر دو میتوان خواند ولیکن بکسر بهتر باشد واحوط آنست که هر دو را بگوید وسنت است که مکرر بگوید
لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ ومستحب است در ابتدای تلبیه بعد از نماز احرام این تلبیات طولانی را بخوانند که در حدیث معویة بن عمار است
و واجب در تلبیه همان یکبار است ولکن سنت است تکرار کردن خصوصا در عقب نمازهای واجبی وسنتی و در وقتی که بر شتر سوار شود
و از شتر بر خیزد و در وقتی که بر بلندی یا پستی برود ودر وقتی که سواری برسد و در وقتی که از خواب بیدار شود و در سحرها و همچنین خانهای مکه را
در نظر درآورد وقطع تلبیه کند **باب دویم** در احکام طواف است سنت است که چون محرم بحرم برسد پیاده شود و بجهت دخول حرم غسل کند
و پاها را برهنه کند ونعلین را بدست گیرد ودر حرم داخل شود و در وقت دخول قدری از گیاه اذخر بخاید که دهان او خوشبو شود با آرام دل و تن
و بحال شکستگی در حرم داخل شود و از برای دخول مکه اگر میسر شود غسل کند و برای دخول مسجد الحرام نیز غسل سنت است وسنت است که از در بنی شیبه
داخل شود واز دره ابطح داخل مسجد الحرام شود که است باب السلام داخل شود ومیاید تا اسطوانه که در آنجا در بنی شیبه
بوده است وبا آرام تن ودل وپای برهنه داخل شود دعا وآدابی که در کتب علما مذکور است بعمل آورد و محاذی ذکر آنها نیست
پس با تأنی روانه شود بجانب حجر الاسود وگامها را کوتاه بردارد از ترس خدا وچون نزدیک حجر الاسود رسد دستها را بردارد
حمد وثنای الهی بجا آورد وصلوات بر محمد وآل او بفرستد و بگوید اللهم تقبل منی پس دست بمالد و روی را بر حجر الاسود بمالد و ببوسد
و اگر نتواند دست بمالد واگر نتواند اشاره کند ودعایی که وارد شده بخواند و بعد از آنکه رو بحجر الاسود کند دعا را خواندن نیت
طواف کند وخانه کعبه را بجانب چپ بگیرد باید که همان نیت ~~...~~ وطواف را بجا آورد
وبدانکه طواف چند شرط دارد اول طاهر بودن از حدث پس هرگاه با وضو یا غسل که نماز با آنها توان کرد نباشد باید وضو بگیرد
به نیت وجوب وهرگاه نتواند تیمم کند چنانکه در نماز **دویم** طاهر بودن جامه وبدن از نجاسات واظهر آنست که آنچه
که در نماز معفو است در اینجا نیز معفو است **سیم** مختون بودن مرد واحوط اینست که صبی وخنثی نیز ختنه کرده باشند
چهارم ستر عورت چنانکه در نماز واما کیفیت طواف پس آنست که نیت کند که هفت مرتبه بدور خانه کعبه میگردم در عمره اسلام

عمره تمتع واجب قربة الى الله و بهتر این است که در همان حال که رو برو اسود است نیت را بکند و باید بگذرد و خانه را بطرف چپ بگیرد و شروع کند بطواف
و بعضی گفته اند که در وقتی که گردید و خانه را بطرف چپ گرفت نیت کند و مقارن ان روانه شود و مشهور میان متاخرین انست که باید اجزای بدن او
که پیشی از همه اعضاست مثل انگشت بزرگ پا یا طرف بینی برابر شود با جزو اول حجر الاسود و بگذرد بعد خانه تا اینکه بهمان جا برسد و ظاهر
انست که محاذات عرفیه کافی است لکن احوط عمل بر قول ایشانست هرگاه ممکن شود و چنین که دیده تعیین محاذات مشکل است خصوصا
در اوقات ازدحام اگر قدری پیشتر از حجر الاسود بایستد باین نیت که ان قدری که زیاد اول حجر است اول طوافش باشد ضرر ندارد بلکه گاهی
ضرور است که چنین کند از باب مقدمه واجب و همچنین در وقتی که شوط تمام میشود باز مشهور متاخرین گفته اند باید بهمانجا ختم کند که ابتدا
کرده بود و زیاد و کم نکند و این نیز مشکل است که بعمل اید غالبا و ظاهر انست که همین که صادق آید عرفا که شوط را بجای اول رساند و تمام کرد کافی است
و در اینجا نیز هرگاه در شوط اخیر از حجر بگذرد از باب مقدمه باین نیت که آنقدری که در برابر حجر بود اخر طوافش باشد خوب است باید که در همه حال
خانه کعبه در طرف چپ باشد و باید همه بدن او از کعبه بیرون باشد پس باید که در شاذروان کعبه که در اصل داخل خانه است راه نرود
و بهتر این است که مقدار شاذروان را در همه اطراف خانه ملاحظه کند و بعضی از اخباریه گفته اند بمقدار یک ذرع دست و احوط انست که دست
بدیوار کعبه نرساند و احوط آنست که همه جا رو بمقصد برود مثل حال نماز یعنی التفات بجانب راست و چپ نکند و اگر قدری از طواف
رو بکعبه یا پشت بکعبه عمدا کرد ان طواف او صحیح نیست و باید حجر اسمعیل را داخل طواف کند و باید که طواف در ما بین خانه کعبه و مقام
ابراهیم باشد یعنی همان سنگی که موضع قدم حضرت ابراهیم بران است نه دیوار آنجا نه که بر دور آن سنگ ساخته اند و همچنین
در همه اطراف خانه مقدار مسافت ما بین کعبه و مقام را باید اعتبار کرد و بعضی از اخباریه گفته اند بیست و شش ذرع دست و احوط
ان است که حجر اسمعیل را داخل ان مسافت دانیم نه اینکه ان مقدار فاصله را در جانب حجر اسمعیل نسبت بحجر اسمعیل هم جایز دانسته باشیم
و مستحب است که در حال طواف دعاهای که بخواند بنحوی که در ادعیه ماثوره است و صاحب حضور القلب کلام ... ترک نکند و در حال طواف
و چون بدر خانه کعبه رسد دعای ماثور را بخواند و هر چند بدر کعبه رسد صلوات بفرستد و همچنین سایر اعمال و دعاهای ماثوره در جای ...
بحجر اسمعیل و رکن یمانی و ما بین رکن یمانی و حجر الاسود بعمل آید و هم ارکان را در بر گیرد خصوص رکن عراقی و رکن یمانی را و بعضی واجب دانسته اند

امسالها

٦

دست مالیدن برکن یمانی را و چون در شوط هفتم بمستجار رسد و ان پشت کعبه است برابر رکن یمانی برابر در خانه بایستد و دستهای
خود را بگشاید بدیوار و رو و شکم خود را بر ان بچسباند بگوید و دعای ماثور را بخواند پس حاجات خود را بطلبد و اقرار بگناهان خود بکند اجمالا و تفصیلا
و طلب امرزش کند که محل اجابت است و باید در وقتی که میخواهد حجر را ببوسد یا دست بمالد یا ارکان را در بر گیرد از موضع طواف نقل نکند
و بعد از کردن اعمال برگشته بهمانجا که ... زیاد و کم نشود و بهتر انست که آدم باید وقوف ... دست و پا این اعمال را در طواف مستحب بکند
و در طواف واجب احتیاط حفظ انگاه دارد که مبادا غلطی بکند و چون از طواف فارغ شد برود بمقام حضرت خلیل الرحمن و دو رکعت نماز
طواف بکند و محل ان در پشت مقام است یعنی پشت آن سنگ که مذکور شد قبل ازین و در طرف راست و چپ نزدیک بان هم جایز است
لکن باید مراد از ان سنگ در حال سجود پیش نرود که داخل محل طواف باشد بلکه مراد از جزو آخر ان هم پیش نرود بسی داخل انچه
که در ان بنا ساخته اند و در جانبین ان و در پشت ان نزدیک که دور نرود در همه میتوان نماز کرد و تا تواند بان سنگ نزدیکتر باشد
بهتر است و در حین ازدحام و کثرت و اضطرار دورتر هم میتوان کرد هرگاه خوف فوت وقت باشد انچه مذکور شد در طواف واجب است
و اما طواف سنت پس نماز آنرا در هر جای مسجد که خواهد میتواند کرد در هر حال و اما کیفیت نماز پس همچون نماز صبح است و اذان و اقامه
ندارد و باید چنین نیت کند که دو رکعت نماز طواف میکنم در عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله و مخیر است مکلف در جهر
و اخفات و سنت است که در رکعت اول بعد حمد قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون و بعد از سلام حمد و ثنای الهی بجا
آورد و صلوات بر محمد و ال او بفرستد و دعای ماثور را بخواند پس سجده برود و دعای ماثور را بخواند پس باید بنزد حجر الاسود رود دست
و بدن بر آن بمالد و ببوسد و اگر نتواند دست بمالد و اگر نه اشاره کند و انچه اولی و مرتب خواندن است بخواند **باب سیم** در سعی
میان صفا و مروه چون خواهد متوجه شود بسعی سنت است که نزد حجر الاسود رود و انرا ببوسد و دستها و بدن را بان بمالد یا اشاره کند
و از آب زمزم بخورد و در وقت اب خوردن بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نافِعًا وَ رِزْقًا واسِعًا وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ
وَ سُقْمٍ و سنت است که خود یک دلو یا دو دلو آب بکشد از دلوی که مقابل حجر الاسود است و بر سر و پشت و شکم بریزد و همان دعا بخواند
و باز بنزد حجر الاسود اید و چنان کند که پیش گفته شد پس متوجه کوه صفا شود و از ان دری بیرون رود که محاذی حجر الاسود است و با آرام دل و تن

برود تا بالای کوه صفا تا نظر کند بجانب کعبه و رو بر کن عراقی کند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و از نعمتهای الهی بر خود بشمارد انچه تواند پس ادعیه ماثوره را
بخواند و بالا رفتن بکوه واجب نیست و همچنین بالا رفتن پلها و بهتر انست که در پله چهارم نیت کند از برای سعی و چون به پایین رسید
با شانه پای حضور الحق صفا بچسباند و ما نیا نجده بدنیت کند و سنت است که با طهارت باشد و هرگاه وضو نداشته ضرر نزند
بلکه سنت است طهارت از نجاست نیز و اما واجبات سعی پس اینست که نیت کند باین نحو که هفت شوط سعی میان صفا و مروه
میکنم در عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله و در حکم نیت باقی ماند تا فارغ شود و ابتدا کند از کوه صفا و ختم کند بمروه و رفتن
از صفا و بمروه را یک شوط حساب کند و برگشتن از مروه بصفا را یک شوط و همچنین تا هفت شوط تمام شود و باید که بطریق معهود
متعارف رود و واجبست که رو بروی مقصد برود پس اگر پشت بپشت کل مسافت بکند صحیح نیست و اما در بین راه التفات
و نگاه کردن و مجرد گردانیدن رو بطرف راست و چپ ضرر ندارد و جایز است سواره و در محمل طی مسافت کند لکن
افضل اینست که پیاده باشد و سنت است که در ابتدای شروع در سعی با آرام دل و تن باشد و چون بمناره اول رسد
از انجا تا مناره دویم هروله کند یعنی تند برود مانند دویدن شتر کرک و چون از مناره دویم بگذرد باز آرام رود تا بمروه برسد
و هرگاه هروله را فراموش کند قهقری کند یعنی پشت بپشت برگردد تا بمحل ان برسد و هروله را بجا آورد و اگر سواره باشد در محل
هروله چاروا را حرکت تند کند و بر زنان هروله نیست و چون بمروه رسد سنت است که بکوه مروه بالا رود و دعاهائی که در صفا
خوانده بخواند و دعای دیگر که ماثور است مخصوص انجا بخواند و سعی کند در گریه و خود را بر گریه بدارد و دعا بسیار کند و همچنین
دعاهای ماثوره را در حال سعی و هروله بخواند و چون سعی صفا و مروه تمام شد واجبست که تقصیر کند باین نیت
که تقصیر میکنم از جهة محل شدن از عمره تمتع عمره اسلام واجب قربة الی الله و تقصیر یعنی جدا کردن چیزیست از موی
سر یا ریش یا شارب یا ناخن بمقراض یا غیر ان و سنت است که از اطراف موی سر کرد موی ریش و شارب بگیرد و بعضی از ناخنها را
بگیرد و بعضی را از برای حج بگذارد و جایز نیست سر تراشیدن و چون تقصیر بعمل آمد حلال میشود بر او هر چه حرام شده بود
بغیر سر تراشیدن و لکن سنت است که شبیه بمحرمان باشد در نپوشیدن دوخته نپوشند تا احرام حج گیرد باب چهارم

دراحرام

٧

در احرام حج تمتع است بدانکه بعد از تقصیر در عمره تمتع واجبست که احرام حج تمتع بگیرد و میقات این احرام
اندرون مکه مشرفه است پس هرگاه عمدا در بیرون مکه احرام بگیرد صحیح نیست و افضل مواضع ان مسجد الحرام است
و افضل مواضع مسجد الحرام مقام ابراهیم است یا زیر ناودان طلا بر قولی یا حجر یعنی میان مقام ابراهیم و حجر اسمعیل
بنا بر قولی و زن حایض ملتقی در بیرون مسجد احرام بگیرد و افضل آنست که در روز ترویه هشتم ذیحجه بعد از نماز ظهر
و عصر احرام بگیرند و سنت است غسل احرام باین نیت که غسل احرام حج اسلام حج تمتع میکنم قربة الی الله و سنت است
که هرگاه جامه احرامی را کنده است بکند و باز دیگر بپوشد و نیت کند که این جامه احرام میپوشم در حج اسلام حج
تمتع از جهة انکه واجبست قربة الی الله و هرگاه جامهها را نکنده باشد و نخواهد بکند هم جایز است و با همان احرام
میگیرد و چنانکه پیش مذکور شد هرگاه وقت نماز ظهرین نباشد دو رکعت نماز نافله احرام بکند باین نیت که دو رکعت
نافله احرام حج تمتع حج اسلام میکنم سنت قربة الی الله و بهتر انست که اول نیت حج بکند که حج میکنم حج اسلام
حج تمتع واجب قربة الی الله و بعد بلا فاصله نیت احرام بکند که احرام میگیرم بحج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و تلبیات
اربع میگویم از جهة عقد این احرام واجب قربة الی الله پس تلبیه میگوید و در اینجا مخیر است در مقارن کردن
تلبیه با نیت احرام و فاصله دادن و احوط انست که مقارن بگوید و بهتر اینست که آهسته بگوید و چون برقطا
رسید که از انجا مکه میبینند هنوز بردم نرسیده باز تلبیه بگوید و چون مشرف شود برابطح صدا را به تلبیه بلند کند و کیفیت
همانست که گذشت و ادعیه که در حال احرام و بعد احرام وارد شده بخواند و احکام احرام از واجبات و ترک
و آداب چنان است که در احرام عمره گذشت و دیگر از تلبیات بنهجی که مذکور شد میکند تا بعرفات و چون
بعرفات رسید نزد زوال قطع تلبیه میکند و بعد از ان جایز نیست تلبیه مگر از برای کسی که اضطرارا
احرام را بعد زوال بسته باشد مثل صورت نسیان احرام حج که در انجا احرام میگیرد و تلبیات اربع را بجا میآورد و بدانکه
مستحب است که بعد از احرام و خروج از مکه تا رسیدن بمنی مشغول شود با آرام تن و دل و باذکر خدا از قبیل تسبیح و تهلیل

و دعائی که ماثور است در حین توجه بمنی و در دخول بمنی بخواند و شب عرفه در منی بعبادات بسر برد و بهتر آنست که در تعجیل حیف باشد
و تا صبح بماند و بعضی حرام دانسته اند که قبل از طلوع صبح بیرون آورد و مستحب است که از وادی محسر نگذرد تا آفتاب طلوع کند و بعضی
حرام دانسته اند و بعد از نماز صبح و تعقیبات آن تا طلوع آفتاب روانه عرفات شود و در حین روانه شدن دعاهای ماثوره را
بخواند الخ **باب پنجم** در وقوف عرفات و مشعر الحرام بدانکه واجب است که در عرفات توقف کند از ابتدای ظهر
تا غروب آفتاب بلکه تا زوال حمره مشرقیه و در اول آن نیت کند که توقف میکنم در عرفات از حالا تا غروب آفتاب
در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و ظاهر این است که واجب نیست که تمام این زمان را وقوف کند یعنی از اول
ظهر تا غروب بلکه جایز است که غسل و نماز ظهر و عصر را در بیرون عرفات بکند و بعد از آن داخل موقف شود بلکه ظاهر این است
که هرگاه قدری از آخر روز را تا غروب آفتاب را دریابد هم واجب را بعمل آورده ولکن احوط این است که بیش از مقدار غسل
و نماز ظهرین در خارج عرفات نماند و تمام آن وقت را در عرفات باشد و در بیابان هم بیرون نرود و هرجای آن هرگاه
عمداً پیش از غروب بیرون رود گناهکار است و باید قربانی بکند هرچند حج او باطل نمیشود اینکه گفتیم حالت اختیار است
و اما هرگاه ممکن نشود او را ادراک عرفات در روز مجزی نیست که شب عید در عرفات توقف کند هرچند قلیلی باشد و این
در وقتی است که بداند که مشعر الحرام را قبل از طلوع آفتاب درک میکند و هرگاه مظنه کند که مشعر الحرام از او فوت میشود
قبل از طلوع آفتاب پس در عرفات توقف نمیکند و سنت است که در وقت ظهر غسل کند و اسباب خود را جمع کند
و اموری که باعث تشویش خاطر است از خود دور کند و نماز ظهر و عصر را بیک اذان و دو اقامه بکند و در پایین کوه وقوف
کند در دست چپ کوه نسبت بکسی که از مکه می آید و در زمین هموار و با اصحاب جمع مجتمع شوند و فرجه در میان
خود نگذارند و بعد از نماز از برای دعا بپا ایستد رو بقبله مشغول دعا شود با حضور قلب و هرگاه ایستادن بر او دشوار باشد
بجهتی که منافی حضور قلب باشد بنشیند و از برای برادران دینی دعا کند بلکه بیشتر از برای آنها دعا کند و طریق
اذکار و ادعیه در کتب ادعیه مذکور است و در اینجا محل ذکر آنها نیست و چون آفتاب غروب کرد روانه

مشعر الحرام شود

روانه مشعر الحرام شود و شب را در مشعر الحرام بروز آورد و اظهر وجوب آن است پس نیت کند که شب بروز می آورم
در مشعر الحرام در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و اگر بقصد قربة تنها اکتفا کند بد نیست و چون صبح شود
نیت کند که می ایستم در مشعر الحرام تا طلوع آفتاب در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و ظاهر این است
که واجب نیست وقوف ما بین طلوع صبح و طلوع آفتاب حاصل میشود بلکه ظاهر این است که مستحب است که قبل از طلوع
آفتاب روانه شود ولکن احوط این است که بماند تا طلوع آفتاب و اینکه مذکور شد وقت اختیاری مشعر است
و اما وقت اضطراری آن پس از طلوع آفتاب است تا ظهر روز عید و سنت است که در وقت روانه شدن از عرفات
بمشعر با آرام تن و دل باشد و ادعیه که وارد شده بخواند و چون بتل سرخ برسد که در دست راست است هم دعای
ماثور را بخواند و نماز شام و خفتن را تاخیر کند تا مشعر الحرام اگر چه ثلث شب بگذرد و جمع کند میان آنها بیک اذان و دو اقامه
و نافله را بعد نماز عشا بکند و نماز صبح را بکند و بعد از آن نیت [illegible] وقوف واجب را بکند و سنت است که با وضو باشد
در حال وقوف و بایستد و دعای ماثوره را بخواند و سنت است که نو حج پای خود را بر مشعر الحرام بگذارد و سنت است
که از وادی محسر نگذرد تا آفتاب طالع شود و ظاهر اکثر حرمت است و در وادی محسر هروله کند چنانکه در سعی میکند و اگر
هروله را فراموش کرد برگردد و بجا آورد و آن شب را در مشعر الحرام بعبادات بروز آورد و سنت است که در آن شب
هفتاد سنگ ریزه از مشعر الحرام از برای رمی جمره برچیند و چون آفتاب بر کوه ثبیر بتابد اعتراف بگناهان
بکند و هفت نوبت استغفار کند و روانه منی شود و بدانکه هرگاه وقت اختیاری عرفات و مشعر هر دو را دریابد یا اختیاری
یکی از آنها را یا اضطراری هر دو را حج او صحیح است و هرگاه اضطراری عرفه تنها را دریابد حج او باطل است و هرگاه
اضطراری مشعر الحرام تنها را دریابد اظهر در نزد حقیر عدم صحت است چنانکه اشهر هم همین است **باب ششم** در اعمال منی است
مستحب است که در حین دخول بمنی دعائی که وارد شده بخواند و اما واجبات آن این است که حاجی در روز عید داخل منی شد و منزل گرفت
ابتدا می کند بجمره عقبه که از همه جمرات بمکه نزدیکتر است یعنی آن جمره را بهفت سنگ ریزه که نه سنگ بزرگ باشد و نه از جنس کلوخ

و در سیخ و کچ و غیر آن نجس نباشد و باید که از حرم باشد و بکر هم باشد یعنی بار دیگر آنرا نینداخته باشند و در رمی صحیح و نیت کند مقارن اول انداختن و بر حکم
نیت بماند تا فارغ شود و کیفیت نیت اینست که بگوید این جمره را هفت سنگ ریزه میزنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و ظاهر
اینست که هر دفعه یک سنگ ریزه بیندازد و بر دلش بگذراند که از دیگری یا هفت علی التمام نیز و باید که هر دفعه بجمره بخورد و ظاهر اینست که هرگاه بزمین بخورد یا بجای دیگر
و از آنجا جهد و بجمره بخورد هم کافیست و هرگاه یکی از آنها خطا کند و بجمره نخورد اعاده کند تا هفت سنگ ریزه تمام بجمره بخورد و همچنین هرگاه شک کند
در خوردن و سنت است اینکه با وضو باشد و دعای ماثور را بخواند و اینکه بقدر ده ذراع دست تا پانزده ذراع از جمره دور بایستد و اینکه
سنگ ریزه ها را بدست چپ نگاه دارد و بدست راست بیندازد و اینکه در حین انداختن پشت بقبله باشد و اینکه پیاده باشد و سواره هم میتوان
انداخت بلکه جمعی سواره بودن را افضل دانسته اند و اولی طهارت است و اینکه بر طریق خذف بیندازد و در معنی آن خلاف است اشهر و اظهر
اینست که سنگ ریزه را بگذارد در شکم انگشت بزرگ و بناخن انگشت شهادت بیندازد بناخن انگشت میانین هم خوبست و مستحب است که سنگ ریزه ها
نرم باشند و از زمین برچیده باشند نه اینکه از کوه سنگ شکسته باشند و اینکه سفید و سرخ و سیاه نباشند بلکه برقه باشند و از یک رنگ و نقطه دار
باشند و بقدر سر انگشت باشند و واجب دویم از اعمال منی قربانی کردنست یعنی ذبح کردن هدی اگر شتر باشد نحر کردن آن یعنی کارد در گودی گردن آن
فرو بردن هرگاه شتر باشد باین نیت که ذبح میکنم این هدی را یا نحر میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و هرگاه خود نمیکند جایز است که آن شخص
که بنیابت او میکند نیت کند و بگوید میکشم این هدی را در حج اسلام حج تمتع بنیابت فلان واجب قربة الی الله و واجب است در روز عید باشد
بعد از رمی جمره و پیش از سر تراشیدن و در منی باشد و اینکه یکی از انعام ثلثه باشد در حج واجب هر چند وجوبش بنذر در حج سنت باشد
خواه در جای محصوره و خواه در خارج و هرگاه ممکن نشود حکم دیگر دارد و اینکه جمعی شریک نشوند چنانکه در سنت جایز است و واجب است که هدی
که میکشد یا شتر باشد یا گاو یا گوسفند و بعضی هم شتر است و بستر هم گوسفند است و واجب است در شتر که پنج سال تمام باشد و یا داخل در ششم باشد
و اما در میش پس احوط آنست که هفت ماه از آن تمام شده باشد و داخل ماه هشتم شده باشد و واجب است که ناقص و معیوب نباشد و خصی نباشد
و عضوی از آن از اعضا بریده باشند و بسیار لاغر نباشد و کور یک چشم یا دو چشم نباشد و لنگ آشکار نباشد و از ازاره اولی بریده نباشد و شاخ
شکسته نباشد اما هرگاه روی شاخ شکسته باشد و شاخ سفید زیر سالم باشد مجزیست و هرگاه گوش او شکافته باشد و چیزی از آن بریده نشده باشد

مجزیست

مجزیست و ظاهر آنست که هرگاه خصیه آنرا پیچیده باشند یا کوفته باشند اما بر طرف نشده باشد کافیست و لکن مکروه است
و اما سوراخی که بسبب داغ در گوش بهم رسیده باشد پس ظاهر اینست که ضرر ندارد و حد لاغری که نتوان کشت
آنست که در قلوه آن پیه نباشد و هرگاه باعتقاد چاقی بخرد و بعد کشتن لاغر آن معلوم شود مجزیست و سنت است
که بسیار چاق باشد و اینکه او را در عرفات برده باشند در روز عرفه و اینکه در شتر و گاو ماده باشد و در میش و بز نر باشد
و اینکه خود با شتر کشتن شود و هرگاه نتواند بر روی دست قصاب بگذارد و قوت کند بر سبیل اعانت و اینکه در وقت
ذبح بکر دعای توجه را بخواند و بعد بگوید اللهم منک و لک پس انکه ذبح میکند بگوید بسم الله والله اکبر و بعد از ذبح صاحب هدی
بگوید اللهم تقبل منی و در کیفیت مصرف رسانیدن گوشت خلافست و احتمالات بسیار است و تحقیق مسئله نیست
و لکن احوط اینست که باین نحو عمل کند که گوشت را سه قسمت کند و یک حصه را از برای خود قرار دهد و از آن بخورد اگر چه قلیل باشد
و در وقت خوردن نیت کند که میخورم از این گوشت قربانی حج اسلام حج تمتع قربة الی الله و بهتر آنست که نیم حصه خود را تصدق کند
و ثلث دیگر را بعنوان تصدق بفقرا و مساکین دهد باین نیت که تصدق میکنم این گوشت هدی حج اسلام حج تمتع را قربة الی الله
و ثلث دیگر را برای مومنین بهدیه بفرستد باین نیت که بهدیه میفرستم این گوشت قربانی را در حج اسلام حج تمتع قربة الی الله
و بهتر آنست که ایشان از جمله مصاحبان و دوستان او باشند و قانع و معتر باشند و در روایت شریف تفسیر است که قانع
کسیست که هر چه از جهت او فرستی قانع باشد و معتر کسی است که از او غنی تر باشد و از تو سوال نمیکند و از برای او بفرستی باید
و واجب سیم سر تراشیدن یا تقصیر کردن یعنی چیزی از مو یا ناخن گرفتن است و مشهور آنست که مردان مخیرند میان سر تراشیدن
و تقصیر کردن و لکن افضل سر تراشیدن است خصوصا از برای نو حاجی که بسیار تاکید دارد و جمعی واجب دانسته اند بر نو حاجی
که سر بتراشد بر سبیل تعیین و همچنین کسی که موی سر خود را بصمغ یا عسل و مثل آن مالیده باشد از ترس شپش و چرک و احوط اینست
که اینها ترک سر تراشیدن نکنند بلکه وجوب آن قوه دارد هر چند قول اول هم دور نیست و افضل اینست که جمع کند
میان سر تراشیدن و گرفتن مو و ناخن اینها حکم مردانست اما زنان پس بر ایشان واجب است تقصیر یعنی چیزی از موی خود

باناخن خود بگیرند وافضل جمع مابین گرفتن مو وناخن است و واجب است نیت در وقت سر تراشیدن باین نحو که سر میتراشم
از جهة محل شدن از احرام حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و بهتر آنست که دلاک نیز نیت کند و سنت است
که در آن وقت رو بقبله باشد و ابتدا بجانب راست پیش سر کند و بگوید اللّهم اعطنی بکل شعرة نوراً یوم القیامة
و موی سر را در منی دفن کند و احوط آنست که تمام سر را بتراشد که موئی از آن نماند و در تقصیر مسمّی کافیست و در آن نیز نیت
بکند باین نحو که تقصیر میکنم از جهة محل شدن از احرام حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و احوط آنست که در صورت
عمل تقصیر از اطراف سر و ریش و شارب موی بگیرد و ناخنها را نگیرد و هرگاه سر را تراشیده باشد دیگر نیت وجوب نکند
در تقصیر بلکه بقصد استحباب کند یا بقصد قربت اکتفا کند و چون سر تراشید یا تقصیر کرد همه چیز بر او حلال میشود بغیر زن و بوی
خوش و صید حرمی **باب هفتم** در اعمال برگشتن از منی بمکه بجهة بقیه اعمال حج بدانکه بهتر آنست که در همان روز
عید بمکه بیاید از جهة دو طواف و سعی و هرگاه نتواند روز دیگر بیاید و اظهر عدم جواز تاخیر است از روز دوم و سنت است
که چون داخل مکه شود غسل کند و ناخنها را بگیرد و همچنین شارب را و داخل مسجد الحرام شود با ذکر و تمجید و تعظیم الهی و صلوات بر محمد
و آل او بقدر مقدور و چون بدر مسجد آید دعائی که وارد شده بخواند و داخل شود از برای طواف حج که آن را طواف زیارت میگویند
و در اول برود نزد حجر الاسود و آنچه پیش گفتیم در طواف عمره بعمل آورد از آنجا بعمل آورد از آداب و ادعیه و الله اکبر بگوید و بعد از آن
نیت کند مقارن اول شوط اول باین نحو که هفت شوط طواف زیارت خانه کعبه میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله
و طواف را بهمان نحو که در عمره مذکور شد بعمل آورد و بعد از آن دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم بنحوی
که در عمره مذکور شد بجا آورد باین نیت که دو رکعت نماز طواف زیارت میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله
و بعد از آن سنت است که نزد حجر الاسود بیاید و آنچه که در عمره مذکور شد بجا آورد پس متوجه شود بسوی صفا از جهت سعی میان
صفا و مروه پس برود و سعی بین صفا و مروه را بعمل آورد بهمان نحوی که در عمره گذشت و تفاوتی نیست الا در نیت
که در اینجا باید چنین نیت کند که هفت شوط سعی میکنم میان صفا و مروه در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله

[illegible]

و بعد از فراغ از سعی برگردد بجانب خانه کعبه از برای طواف نساء و بعنوان سابق طواف کند باین نیت
که هفت شوط طواف نساء میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله پس در پشت مقام ابراهیم دو رکعت
نماز طواف بکند بنحوی که گذشت باین نیت که دو رکعت نماز طواف نساء میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الی الله و این طواف نساء در همه اقسام حج واجب است و در عمره مفرده هم واجب است و در عمره تمتع واجب
نیست و قول نادری بوجوب است اگر کسی در اینجا بکند هم معلوم نیست که حرام باشد بلکه بهتر باشد
و طواف نساء واجب است بر مرد و زن و بر جوان و خواجه سرا و صبی و ولی صبی ممیز را امر میکند او را بطواف و در غیر ممیز
او را طواف میدهد پس اگر نکنند بعد از بلوغ هرگاه قضا نکند یا نایب نگیرد در کردن آن زن بر او حرام خواهد بود
و بدانکه هرگاه سر تراشید یا تقصیر کرد بعد از آنکه رمی و ذبح را کرده باشد همه چیز بر او حلال میشود بغیر زنان و بوی خوش
چنانکه گفتیم بلکه صید حرمی هم بنابر آنچه از اکثر علما نقل شده و همچنین کندن گیاه و درخت از حرم بلکه احوط اجتناب
از صید احرامی نیز است تا بعد از طواف نساء چنانکه بعضی علما گفته است پس هرگاه طواف زیارت را کرد بوی
خوش هم حلال میشود بنابر قولی و شاید اقوی این باشد که تا سعی صفا و مروه را نکند بوی خوش هم حلال
نمیشود و چون طواف نساء کرد زنان بر مردان حلال میشوند و مردان بر زنان و در اینوقت دیگر چیزی بر او حرام نیست
و اینکه صید حرم حرام است و گیاه از حرم کندن حرام است آن بسبب دیگر است و دخلی باحرام ندارد و مکروه است که رخت
دوخته بپوشد و سر خود را بپوشد تا طواف حج و سعی میان صفا و مروه را بجا آورد و همچنین مکروه است استعمال بوی خوش
تا از طواف نساء فارغ شود **خاتمه** در عود از مکه بمنی بدانکه حاجی چون در روز عید بمکه آمد و اعمال مکه را از
طواف و سعی و غیره بعمل آورد واجب است که برگردد بمنی و شب یازدهم و دوازدهم را در منی بروز آورد و هرگاه
در روز دوازدهم هم از منی بیرون نیاید تا آفتاب غروب کند در شب سیزدهم واجب است که در منی باشد که در اینوقت
واجب است که شب سیزدهم را هم در منی بسر آورد و این حکم کسی است که در حال احرام حج بلکه احرام از صید و زنان

[illegible]

اجتناب بکند باشد واگر کسی از صید و زنان اجتناب نکرده باشد واجب است بر او که در هر سه شب در منی بسر برد تا آنکه در آورد و در هر شبی
هر کسی بمنی میماند از این شبها واجب است که در اول شام نیت کند که در این شب در منی میمانم در حج الاسلام حج تمتع واجب قربة الی الله
و واجب است که در روز هر یک از این شبها هر یک از این شبها سه جمره را بهفت عدد سنگ ریزه بزند بترتیب اول جمره
اولی را میزند که بعرفات نزدیکتر است بعد از آن جمرهٔ وسطی بعد از آن جمرهٔ عقبه را پس اگر عکس کند اعاده کند وسطی و عقبه را
تا ترتیب حاصل شود و طریق رمی جمره همانست که در اعمال روز عید مذکور شد و وقت رمی تمام روز است و قبل از ظهر افضل است
و سنت است که در این سه روز هم سنگ ریزه را از زمین برداشته بزند و در جمره اولی و وسطی رو بقبله کند و رمی کند و در جمره عقبه پشت بقبله کند و دعاهای وارد شده
بخواند و واجب است نیت پس در جمره اولی مقارن انداختن سنگ ریزه اول نیت میکند که جمره اولی را بهفت سنگ میزنم
در حج الاسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و همچنین جمره وسطی و جمره عقبه را و سنت است که با هر سنگ ریزه که می اندازد الله اکبر بگوید
و تکبیرات در منی سنت است و بعضی واجب دانسته اند در عقب پانزده نماز که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز
سیزدهم و در شهرهای دیگر عقب ده نماز و طریق آن اینست اللهُ اکبر اللهُ اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر
ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا
و سنت است که در ایام منی نمازها را در مسجد خیف بجا آورد و چون بمکه برگردد سنت است که داخل خانه کعبه شود با آداب و شرایط
وادعیه و چون خواهد از مکه کوچ کند طواف وداع بکند باین نیت که هفت شوط در طواف وداع میکنم سنت قربة الی الله
و بعد از آن دو رکعت نماز طواف وداع بکند باین نیت که دو رکعت نماز طواف وداع میکنم سنت قربة الی الله و سنت است که در ایام
حج سی و شش طواف بکند بعدد ایام سال و اگر نتواند سی و شش شوط بکند و سنت است که در وقت بیرون آمدن از مکه
یکدرهم خرما بخرد و تصدق کند تا کفاره اموری باشد که از او در زمان احرام سر زده باشد و عزم کند بر عود که آخر دیدن مکه

بازبینی شد
سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

۱۰ رگ

بازبینی شد
۱۳۵۳خ

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

٨٢١٥